Journal of Studies in Applied Language (JSAL),
Vol. 7, No. 4, Autumn 2024, pp. 99–125. ISSN: 2980-9304
© Bonyan Pouya Pajooh Andisheh Institute (BPPAI), 2024. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the originalwork is properly cited.

An Analysis of Colloquial Expressions in Two Translations of Diary of a Wimpy Kid (2007) Based on Newmark's (1988) Translation Strategies [In Persian]

Mahboobeh Morshedian [*1], **Yegane Rahmani** [2]

1 Assistant Professor Department of English Translation, Toloue Mehr University, Qom, Iran
2 MA Department of English Translation, Toloue Mehr Non-profit University, Qom, Iran

***Corresponding author:** m.morshedian@tolouemehr.ac.ir

Received: 02 Sep, 2024 *Revised: 23 Sep, 2024* *Accepted: 30 Nov, 2024*

ABSTRACT

McCrimmon defines colloquial expressions as written or spoken phrases used for direct conversation and creating a sense of intimacy with the audience. He further states that certain general considerations govern the translation of all cultural elements, including colloquial expressions. He suggests that cultural references in the source text should be recognized and respected. When discussing the translation of cultural elements, Newmark points out that colloquial language is less constrained by context compared to ordinary language. However, he also emphasizes the importance of understanding the cultural and idiomatic context of colloquial expressions for effective translation. In such cases, translators must be aware of these overlaps and use appropriate strategies to translate them correctly. This research, based on Newmark's (1988) strategies, examines two translations of colloquial expressions from the first volume of Diary of a Wimpy Kid (Kinney, 2007). According to McCrimmon's (1963) model, 100 colloquial expressions were identified in the original text and the two translations by Shadnazar (2021) and Bafandeh (2011), and randomly selected. The study then aimed to determine which of Newmark's (1988) strategies each translator applied and how frequently. The most frequently used strategy in Bafandeh's translation was cultural equivalent (26%), while in Shadnazar's translation it was the mixed strategy (24%). Both translators also leaned toward literal translation (calque) (16% Bafandeh, 22% Shadnazar) and mixed strategy (15% Bafandeh). Additionally, Bafandeh used expansion only once, and Shadnazar used compression only once. Neither translator used the strategies of transference, naturalization, note, or emphasis. Given that both translations were well-received in Iran, it may be concluded that mixed strategies, literal translation (calque), and cultural equivalents are

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

effective methods for translating colloquial expressions in novels, particularly from English into Persian.

Keywords: Diary of a Wimpy Kid, Translation Strategie, Colloquial expressions, Newmark, McCrimmon.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

مجله زبان‌کاوی کاربردی (JSAL)
ISSN: 2980-9304
دوره هفتم، شماره ۴ (پیاپی ۱۸)، پاییز ۱۴۰۳، صص ۹۹-۱۲۵

بررسی عبارات محاوره‌ای در دو ترجمه از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۱۹۸۸)

محبوبه مرشدیان [۱*]، یگانه رحمانی [۲]

۱. استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه طلوع مهر قم، قم، ایران
۲. کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر قم، قم، ایران
***نویسنده مسئول مقاله** Email: m.morshedian@tolouemehr.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۸۲ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۸۰

چکیده

مک‌کریمون عبارات محاوره‌ای را به‌صورت عباراتی نوشتاری یا گفتاری توصیف‌می‌کند که برای صحبت مستقیم و ایجاد احساس صمیمیت با مخاطب استفاده‌می‌شود. علاوه‌براین، بیان‌می‌کند که برخی ملاحظات کلی بر ترجمه همه عناصر فرهنگی، ازجمله اصطلاحات محاوره‌ای حاکم‌است. او پیشنهادمی‌کند که باید اشارات فرهنگی متن زبان مبدأ را به‌رسمیت‌شناخت و به آن‌ها احترام‌گذاشت. البته هنگام بحث درمورد ترجمه عناصر فرهنگی، نیومارک ازطرفی به این موضوع اشاره‌می‌کند که زبان محاوره‌ای کمتر از زبان معمولی به بافت محدود می‌شوند و ازطرف‌دیگر بر اهمیت درک بافت فرهنگی و اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه کارآمد آن‌ها تأکیدمی‌کند. درچنین مواردی، مترجمان باید از این همپوشانیها آگاه باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده‌کنند. این تحقیق برپایه استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸)، دو ترجمه از عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (کینی، ۲۰۰۷) را بررسی‌کرده‌است. براساس مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳) ، ۱۰۰ عبارت محاوره‌ای در متن اصلی و ترجمه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) تشخیص‌داده و به‌طورتصادفی انتخاب‌شد. سپس سعی‌شد مشخص‌شود ترجمه هر مترجم از عبارات محاوره‌ای منطبق با کدام‌یک از استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸) است و با چه فراوانی. پرکاربردترین استراتژی در ترجمه بافنده، معادل فرهنگی (۲۶%) و در ترجمه شادنظر استراتژی ترکیبی (۲۴%) بود. دیگر تمایل دو مترجم عبارت‌است از گرته‌برداری (۱۶% بافنده و ۲۲% شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵% بافنده). علاوه‌براین، بافنده صرفاً یک‌بار استراتژی بسط و شادنظر نیز صرفاً یک‌بار استراتژی فشرده‌سازی را به‌کاربرده‌بود. همچنین هردو مترجم از استراتژی‌های انتقال ترجمه، طبیعی‌سازی، یادداشت و برجسته‌سازی استفاده‌نکرده‌اند. ازآنجاکه از این دو ترجمه در ایران استقبال‌شده‌است، شاید بتوان‌گفت که استراتژی‌های ترکیبی، گرته‌برداری و معادل فرهنگی برای ترجمه عبارات محاوره‌ای رمان‌ها، بخصوص دربرگردان انگلیسی به فارسی، مناسب هستند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

واژگان کلیدی: کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه»، استراتژی ترجمه، عبارات محاوره‌ای، نیومارک، مک‌کریمون

۱ مقدمه

از یک‌سو، در ایران همواره مخاطبان بسیاری به آثار داستانی علاقه و توجه داشته‌اند. ازاین‌رو، این علاقه که بر مترجمان خوش ذوق ایرانی پوشیده نبوده و این زمینه را به‌وجودآورده تا از آثار داستانی ترجمه‌های متعددی انجام‌شود. ازسوی دیگر، در زبان انگلیسی مانند زبان‌های دیگر همیشه به زبان رسمی و کتابی صحبت‌نمی‌شود و اکثر رمانهای انگلیسی زبان مملو از عبارات محاوره ای هستند. نیومارک (۱۹۸۸: ۱۴) مقیاسی برای رسمیت سبک پیشنهادمی‌کند که از رسمی، خنثی غیررسمی، محاوره‌ای، عامیانه تا تابو متغییر است. براساس این مقیاس، زبان محاوره بین زبان غیررسمی و عامیانه قراردارد و مشخصه یا مناسب مکالمه معمولی یا آشنا است، آن‌هم به‌جای گفتار یا نوشتار رسمی. مک‌کریمون (۱۶۹:۱۹۶۳) نیز عبارات محاوره‌ای را به‌صورت عباراتی نوشتاری یا گفتاری توصیف‌می‌کند که برای صحبت مستقیم و ایجاد احساس صمیمیت با مخاطب استفاده‌می‌شود. البته بسیاری از عبارات محاوره‌ای از واژگان استاندارد گرفته‌شده‌اند ولی معنای جدیدی دارند. واژه «محاوره‌ای» به‌عنوان ویژگی مکالمه معمولی یا آشنا به‌جای گفتار یا نوشتار رسمی نیز تعریف‌شده‌است (دیکنشری برخط آکسفورد، ۲۰۲۴).

نکته دیگر این است که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی بسیاری بین انگلیسی و فارسی وجوددارد و همیشه برای ترجمه عبارات محاوره‌ای بین این دو زبان باید دقت فراوانی داشت، نیومارک (۱۹۸۸: ۴۱) نیز به این نکته توجه‌داشته و ترجمه عبارات محاوره‌ای را زیرمجموعه ترجمه اصطلاحی می‌داند. به بیان‌دیگر، عبارات محاوره‌ای نیز می‌توانند اصطلاح باشند، به این معنی که معانی آن‌ها مستقیماً از تک‌تک کلمات قابل استنتاج نیست. به‌عنوان‌مثال، عباراتی مانند "kick the bucket" (به معنی مردن) یا "spill the beans" (به‌معنای فاش‌کردن یک راز) عباراتی اصطلاحی و عامیانه هستند. درواقع، اصطلاحات خاصِ هر فرهنگ هستند و عبارات محاوره‌ای نیز معمولاً ماهیت غیررسمی و محاوره‌ای دارند و هر دو گروه چالش‌هایی را برای مترجمان ایجادمی‌کنند، زیرا برای انتقال دقیق معنای موردنظر به زبان مقصد، به درک بافت فرهنگی نیازدارند. ازسوی‌دیگر، به نظر نیومارک (۱۹۸۸: ۴۶) عبارات محاوره‌ای را بسته‌به کاربرد و بافت می‌توان بخشی از عناصر فرهنگی درنظرگرفت زیرا عبارات محاوره‌ای اغلب ظرایف فرهنگی و اجتماعی یک جامعه زبانی خاص را منعکس‌می‌کنند. آن‌ها ریشه در فرهنگ دارند و به‌نوعی عناصر فرهنگی هستند. درواقع، عبارات محاوره‌ای در یک فرهنگ خاص، اهمیت یا معنای خاصی دارند و اغلب بیانگر گفتار غیررسمی مورداستفاده در آن هستند.

علاوه‌براین، نیومارک (۱۹۸۸: ۹۶) بیان‌می‌کند که برخی ملاحظات کلی بر ترجمه همه عناصر فرهنگی، ازجمله اصطلاحات محاوره‌ای حاکم‌است. او پیشنهادمی‌کند که باید اشارات فرهنگی متن زبان مبدأ را به‌رسمیت‌شناخت و به آن‌ها احترام‌گذاشت. البته هنگام بحث درمورد ترجمه عناصر فرهنگی، نیومارک (۱۹۸۸: ۹۶) ازطرفی به این موضوع اشاره‌می‌کند که زبان محاوره‌ای کمتر از زبان

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

معمولی به بافت محدود می‌شوند و ازطرف‌دیگر بر اهمیت درک بافت فرهنگی و اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه کارآمد آن‌ها تأکیدمی‌کند. درمجموع ،به نظر وی اگرچه عبارات محاوره‌ای، عناصر فرهنگی و اصطلاحات در زبان اهداف متفاوتی دارند، اما مواردی وجوددارد که آن‌ها باهم تلاقی‌می‌کنند. درچنین مواردی، مترجمان باید از این همپوشانیها آگاه باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده‌کنند. دیگر اینکه وی، جایگاه واحدهای واژگانی مرکب را بین سبک «غیررسمی» و «محاوره‌ای» می‌داند (نیومارک، ۱۴۱:۱۹۸۸). این تعریف گسترده می‌تواند انواع مختلفی از کلمات و عبارات جدید، ازجمله اصطلاحات محاوره‌ای را دربربگیرد، زیرا آن‌ها اغلب کاربردهای جدید یا درحال‌تکامل زبان را نشان می‌دهند. او چهارمین نوع متن (ادبی یا غیرادبی) را نیز گفتگو با تأکید بر محاوره‌ها می‌داند. درراستای نظرات متقن نیومارک (۱۴۱:۱۹۸۸)، دیویس (۶۵:۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود بر روی ترجمه‌های هری پاتر، عبارات محاوره‌ای به‌ویژه اصطلاحات را ریشه‌دار در فرهنگ‌ها و ساختارهای زبانی زبان مبدأ می‌داند. ازاین‌رو، درسرتاسر تحقیق، عبارات محاوره‌ای زیرمجموعه عناصر فرهنگی قلمدادشده‌است. با این تعاریف از زبان محاوره، مشخص است که ترجمه آن‌هم دقت خاص خود را می‌طلبد. در میان استراتژی‌های پیشنهادی ترجمه برای عبارات محاوره‌ای، می‌توان به ۱۷ استراتژی ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) اشاره‌کرد که شامل موارد زیر است: انتقال، طبیعی‌سازی، معادل کارکردی و توصیفی، مترادف، گرته‌برداری (تحت‌اللفظی)، دگرگشت یا تغییرمقوله‌دستوری، تغییرشیوهٔ بیان، معادل جاافتاده درمیان مردم، جبران، دگرگفت، یادداشت، تحلیل مؤلفه‌ای، معادل فرهنگی، برجسته‌سازی، بسط و فشرده‌سازی، حذف و راهبرد ترکیبی.

دسته‌بندی‌های مختلفی برای عبارات محاوره‌ای مطرح‌شده‌است ازجمله مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) که برای آنها پنج ویژگی بیان‌کرده‌است:۱. کلمات نسبتاً کوتاه و ساده که معمولاً به‌لحاظ دستوری کامل نیستند و ابزار بلاغی کمی دارند. به‌عنوان‌مثال، کلمه maybe today یا between fishermen، ۲.استفاده سخاوتمندانه از اختصارات (I'll, we've, didn't, can't) و صورت‌های کوتاه‌شده (cab, exam, phone) و حذف ضمایر نسبی (who, which, that) که در سبک رسمی حفظ‌می‌شود، ۳. واژگانی که با اجتناب کلی از کلمات آموخته‌شده و با گنجاندن برخی اصطلاحات عامیانه استفاده‌می‌شوند، مثل کلمات shady, same here,brass ، ۴. ساختارهای دستوری کوتاه‌شده که بیشتر استعاری هستند و گاهی به تمایزهای دستور ساخت‌گرا بی‌توجه‌اند؛ به‌عنوان‌مثال:("I'm gonna grab a bite to eat.")، ۵. لحن آشنا و لحن دوستانه و گرم یا خودمانی که نویسنده به‌وسیله آن سعی‌دارد بر خواننده تأثیربگذارد، مثل عبارت what is up darling? . عبارات محاوره‌ای بیشتر در ادبیات داستانی به‌کارمی‌روند و دراین زمینه درگذشته تحقیقاتی دیگر نیز وجوددارد (جلال‌پور و حیدری‌تبریزی،۲۰۱۷ :۱۰۱۱؛ ظفرقندی و فلاحت‌دوست،۲۰۱۳ :223). اما باتوجه‌به توضیحات فوق‌الذکر در مورد تعریف مک‌کریمون (۱۳۷:۱۹۶۳) از عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) برای ترجمه آن‌ها، بجاست از این منظر هم به ترجمه آن‌ها پرداخته‌شود. فلذا، در پژوهش حاضر ترجمه عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب ۱۷ جلدی «خاطرات

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

یک بی‌عرضه» (کینی،۲۰۰۷) بررسی‌شده‌است. این کتاب، یک رمان طنز در قالب ادبیات داستانی است و عبارات محاوره‌ای فراوانی دارد. برای نیل به این هدف، براساس پنج ویژگی عبارات محاوره‌ای مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳)، عبارت‌های محاوره‌ای را انتخاب و استراتژی‌های ترجمه نیومارک (:911988-81) که احتمالاً شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، به‌کاربرده‌اند و نیز فراوانی آنها بررسی و مقایسه‌شدند. دلیل انتخاب این دو مترجم این است که هر دو به برگردان موفق طنز و عبارات محاوره ای معروف هستند. به‌اختصار، این تحقیق قصددارد به دو پرسش ذیل پاسخ‌دهد:

۱. مترجمان جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» اثر کینی (۲۰۰۷)، کدام‌یک از استراتژی‌های ترجمه نیومارک (:901988-81) را در در ترجمهٔ عبارات محاوره‌ای به کاربرده‌اند؟

۲. فراوانی استفاده از استراتژی‌های نیومارک (:911988-81) در ترجمه‌های بافنده و شادنظر به چه میزان است؟

۱-۱ پیشینه پژوهش

ازجمله پژوهشهای انجام‌شده و مرتبط، می‌توان به تحقیق مهدوی‌ثابت (۱۴۰۱: i) اشاره‌کرد. وی دسته‌بندی پارتیج (۲۶۲:۱۹۹۰) و استراتژی‌های ترجمه گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱) را در بررسی‌های خود درباره زیرنویس فارسی انیمیشن عصر یخبندان استفاده‌کرد. از ده استراتژی پیشنهادی گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱)، چهار مورد به‌کاررفته‌بود؛ بسط، بازنویسی، حذف و انتقال. همچنین حذف و انتقال پرکاربردترین استراتژی‌ها بودند.

براساس مدل مک کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) و استراتژی‌های ترجمه نیومارک (:911988-81) نیز تحقیقاتی انجام‌شده‌است. برای‌مثال، برزگر (۱:۲۰۰۸) تلاش‌کرد تا استراتژی‌های مورداستفاده در زیرنویس فارسی عبارات محاوره‌ای فیلم‌های انگلیسی بررسی‌کند. وی عبارات محاوره‌ای براساس ویژگی‌های مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) و هلمز (۲۵۶:۱۹۹۲) طبقه‌بندی‌کرد. داده‌ها از دو فیلم کمدی آمریکایی به نام‌های Midnight Run و Liar Liar جمع‌آوری و مشخص‌شدکه بیشترین استراتژی مورداستفاده، ترجمه محاوره‌ای و انتقال بوده‌است.

هدف از پژوهش جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱) نیز بررسی ترجمه عبارات محاوره‌ای و عامیانه از فارسی به انگلیسی در دو اثر جمال‌زاده بود. در این پژوهش، ابتدا عبارات محاوره‌ای با ویژگی مدل‌های مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) و هلمز (۲۵۶:۱۹۹۲) موردبررسی‌قرارگرفتند و بعد با استفاده از چارچوب نیومارک (:911988-81)، نوع و استراتژی‌های اعمال‌شده توسط مترجمان و همچنین حفظ سطح محاوره‌ای متون توسط مترجم مشخص‌شد و بررسی‌ها نشان‌داد که مترجمان از ۶ استراتژی بیشترین استفاده را کردند:۵۱% مترادف، ۲۶٫۵% نقل‌قول، ۸٫۵% تحت‌اللفظی، ۲٫۵% معادل توصیفی، ۲% راهبرد ترکیبی، ۱% دگرگشت، ۵% حذف، و ۳٫۵% ترجمه اشتباه.

در تحقیق صالح‌آبادی (۱۴۰۱: iv)، محقق به بررسی عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های ترجمه در زیرنویس انیمیشن شرک و عصر یخبندان پرداخته و از دسته‌بندی‌های مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) برای عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های زیرنویس گاتلیب (1992: ۱۶۶-۱۷۱) استفاده کرد. نتایج این

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

پژوهش نشان‌داد که چهار استراتژی بسط، بازنویسی، انتقال و حذف برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، پرکاربردترین استراتژی‌ها بودند.

صادق‌پور (iv:۱۳۹۲) نیز به بررسی راهکارهای ترجمه انگلیسی به فارسی در دوبله انیمیشن‌های پنج کمدی آمریکایی پرداخت. یافته‌ها نشان‌داد که مترجمان فارسی به‌جای ترجمه تحت‌اللفظی، تمایل به استفاده از عبارات آشنا داشتند و مترجمان از عبارات اصطلاحی و محاوره‌ای برای ایجاد خنده استفاده‌کردند. به‌عبارتی، مترجمان مکرر و آزادانه از عبارات اصطلاحی و محاوره‌ای برای خنداندن مخاطب استفاده‌کرده‌اند.

باتوجه‌به پیشینه تحقیقاتی فوق و اینکه هنگام ترجمه عبارات محاوره‌ای، مترجم همیشه با چالش عدم‌ایجاد اثر مشابه بر روی مخاطبان هدف روبه‌رواست (دیکینز و دیگران، 29:2002)، اهمیت ونوآوری این تحقیق دراین است که بدانیم برای ترجمه عبارات محاوره‌ای در ادبیات داستانی ازجمله جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» براساس تعریف مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳)، کدام‌یک از استراتژی‌های نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) کاربرد بیشتری دارد. و لذا ازآنجاکه تاکنون در هیچ تحقیقی، از این منظر انجام‌نشده است، در این تحقیق به این مهم پرداخته شد.

۱-۲ روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و مقایسه‌ای-کیفی انجام‌گرفته‌است و ترجمه عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) و دو ترجمه فارسی از شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) آن بررسی‌شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، روش تحقیق، بینامتنی، کتابخانه‌ای است و با مشاهده، یادداشت‌برداری و تحلیل محتوای متن انگلیسی و دو ترجمه آن انجام‌شده‌است. اگرچه طبقه‌بندی‌های گوناگونی برای عبارات محاوره‌ای وجوددارد و می‌توان در این تحقیق هم از آن‌ها استفاده‌کرد اما ازآنجایی‌که مدل مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) کامل‌تر و جامع‌تر بود، برای تعیین عبارات محاوره‌ای انتخاب‌شد. به‌بیان‌دیگر، ابتدا ۱۰۰ عبارت محاوره‌ای در نسخه انگلیسی کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس پنج ویژگی مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) برای عبارات محاوره‌ای، شناسایی‌شدند. دراین‌راستا، از برخی از لغت‌نامه‌های انگلیسی ازجمله دیکشنری‌های آنلاین آکسفورد (۲۰۲۴) و لغت‌نامه انگلیسی معاصر لانگمن (۲۰۲۴) نیز به‌عنوان منابع ثانویه استفاده‌شد. به‌عبارتی، همه داده‌های گردآوری‌شده در لغتنامه‌ها بررسی‌شد تا از محاوره‌ای بودنشان اطمینان حاصل‌شود. لازم به‌ذکراست که منظور از عبارات محاوره‌ای، هر واژه، اصطلاح، جمله‌واره، بند، یا جمله انگلیسی محاوره‌ای است. روش نمونه‌گیری تصادفي ساده **نیز** انتخاب‌شد چراکه در آن ارزش و احتمال گزینش عبارات محاوره‌ای یکسان است. براساس ویژگی‌های مدل مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳)، چنانچه نمونه انتخاب‌شده شامل جملات ناقص گرامری بود در گروه اول مدل وی قرارگرفتند و هنگامی‌که اختصار بود در گروه دوم، واژگانی با اجتناب از کلمات آموخته‌شده در گروه سوم و اگر ساختارهای اصطلاحی داشت، در گروه چهارم و همچنین درنهایت اگر لحن آشنا بود، در گروه پنجم قرارگرفتند. سپس ترجمه این نمونه‌های انتخاب‌شده از شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه‌شدند تا

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

مشخص‌شود هریک از مترجمان احتمالاً از کدام استراتژی نیومارک (:۱۹۸۸**91**-۸۱) برای ترجمه این عبارات استفاده‌کرده‌اند و فراوانی استفاده آنها از این ۱۷ استراتژی‌ها چیست. این استراتژی‌ها عبارتنداز انتقال، طبیعی‌سازی، معادل کارکردی و توصیفی، مترادف، گرته‌برداری (تحت‌اللفظی)، دگرگشت، تغییرشیوه‌بیان، ترجمه جاافتاده، تحلیل مؤلفه‌ای، جبران، دگرگفت، یادداشت، معادل فرهنگی، برجسته‌سازی، بسط و فشرده‌سازی، حذف و راهبرد ترکیبی.

۱-۳ شیوه پژوهش

همان‌گونه که ذکرشد، پرسش اول تحقیق این بود که در دو ترجمه‌ی از عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (کینی، ۲۰۰۷)، مترجمان از کدام‌یک از استراتژی‌های ترجمه نیومارک (:۱۹۸۸91-۸۱) استفاده کرده‌اند. بدین منظور، نمونه‌های عبارات محاوره‌ای را بررسی و استراتژی‌های مورداستفاده در این نمونه‌ها توسط دو مترجم مشخص شد. مثالهایی از تحلیل استراتژی‌های مورداستفاده بافنده (۱۳۹۰) و سپس شادنظر (۱۴۰۰) درذیل خواهدآمد. لازم به‌ذکر است که در دو متن انگلیسی و فارسی، عبارات محاوره‌ای با قلم ایتالیک و با خط زیر آن‌ها مشخص‌شده‌اند، و تحلیل پژوهشگران این است که در این ۱۰۰ مورد عبارات محاوره‌ای انتخابی، مترجمان از استراتژیهای انتقال و طبیعی‌سازی، برجسته‌سازی، و یادداشت استفاده‌نکرده‌اند، فلذا مثالی از آنها دیده‌نمی‌شود.

2 استراتژی‌های معادل کارکردی و معادل توصیفی

روش معادل کارکردی مستلزم استفاده از واژه‌های عاری‌از فرهنگ است و گاهی‌اوقات با یک اصطلاح خاص جدید این کار انجام‌می‌شود (نیومارک، ۸۳:۱۹۸۸). مثالهای زیر معادل کارکردی بافنده و شادنظر است:

A little while later, Rowley told me he neede a *potty break*. (p.68)

بافنده: یه‌کم بعد، راولی بهم گفت که «دستشویی‌داره»

براساس ویژگی واژگانی باپرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون،۱۷۳:۱۹۶۳) این عبارت محاوره‌ای، طنزگونه و غیررسمی هستند و زمانی استفاده‌می‌شوند که از کاری دست‌می‌کشید، به‌ویژه هنگام رانندگی با ماشین تا بتوانید از توالت استفاده‌کنید. زمانی که گرگ و راولی (دو شخصیت اصلی داستان) شب هالووین در خانه ها را می‌زنند، بین راه راولی می‌گوید دستشویی دارد و گرگ درپاسخ می‌گوید وقتی به خانه مامان‌بزرگ رسیدند، به او اجازه می‌دهد به دستشویی برود و یک‌دقیقه‌ای بیرون بیاید.

.You walk into the classroom and just *plunk* your stuff *down* on any old disk and the next thing you know the teacher is saying... (p.4)

شادنظر: معمولاً وارد کلاس می‌شوی وسایلت را روی میز و صندلی کهنه می گذاری و بعد معلم می‌گوید...

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است به معنی رها کردن یا انداختن چیزی با سروصدا یا محکم. در این عبارت، گرگ نصیحت می‌کند که روز اول مدرسه باید چطور رفتار کرد و کجا نشست و معلم می‌گوید تا آخر سال باید همان‌جای همیشگی بنشینند. شادنظر رنگ وبوی فرهنگی عبارت را زدوده‌است.

در مقابل، روش توصیفی کارکرد را نادیده گرفته و تمایل به توضیح دارد (نیومارک، ۸۳:۱۹۸۸). مثالهای زیر معادل توصیفی بافنده و شادنظر است:

I let my hopes get too high. (p.131)

بافنده: توقع‌مو زیادی بالابردم.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی مطمئن‌شدن از پیشرفت یا موفقیت است. در داستان، گرگ توقع‌داشت که هدیه کریسمس به انتخاب پدر و مادر راولی باشد و او صاحب یک هدیه خوب شود، ولی متأسفانه راولی هدیه را انتخاب کرده بود.

I tried to *cheer him up*. (p.140)

شادنظر: سعی‌کردم حالشو جابیارم.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون،۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی باعث ایجاد احساس شادی در کسی و سرحال‌آوردن او. در اینجا، راولی از روی سه‌چرخه به زمین‌می‌افتد و گرگ سعی‌می‌کند که او را بخنداند تا از آن حال و هوا بیرون‌بیاید. شادنظر سعی‌کرده عبارت فعلی موجود را توضیح‌دهد.

۲-۱ استراتژی ترادف

نیومارک (84:۱۹۸۸) معتقد است که واژه « مترادف» به‌معنای معادل نزدیک در زبان مقصد برای واژه‌ای در زبان مبدأ است و جایی استفاده‌می‌شودکه معادل دقیق وجود ندارد و واژه نیز اهمیت زیادی در متن ندارد.

And get this, He actually got a PROMOSION. (p.187)

بافنده: اینو گوش کن: اونا ترفیع هم بهش‌دادن.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است. دو معنی get=to be told/understand است. پس اینو گوش کن مترادف عبارت محاوره‌ای در ترجمه بافنده است. این عبارت برای جلب‌توجه به چیزی شگفت‌انگیز یا جالب استفاده‌می‌شود. در داستان، گرگ پیش آقای وینسکی به‌اشتباه خود اعتراف‌کرد و گفت که راولی اشتباه‌نکرده‌است.

If you *mess up* and Mom catches you, the first thing she does is to take a few days to figure out what your punishment should be. (p.39)

شادنظر: اگر دردسر درست کنی و مامان مچت را بگیرد، اولین کاری که می‌کند تا چند روز به این فکر می‌کند که بهتر است چه تنبیهی برایت درنظربگیرد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، : ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای، غیررسمی و عامیانه است و زمانی که کسی دردسر ایجاد می‌کند و یا چیزی را خراب می‌کند، استفاده‌می‌شود. در داستان، گرگ می‌گوید: مادرم برای مجازات یک سبک متفاوت دارد و چند روزی فکرمی‌کند. شادنظر مترادفی را برای mess up آورده‌است و نه معنای اصلی آن را.

۲-۲ استراتژی گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)

در گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)، تک‌تک عناصر یک کلمه از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه‌می‌شود و درواقع قرض‌گیری مفهوم است؛ اجزای سازنده آن در زبان مقصد موجود است ولی الگوی ترکیب از زبان مبداء گرفته‌می‌شود (نیومارک، ۸۴:۱۹۸۸).

Wanna see my secret freckle? (p.28)

بافنده: می‌خوای خال مخفی من رو ببینی؟

ازنظر مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) wanna یک عبارت مخففشده و محاوره‌ای است. در این قسمت، فرگلی که یک پسر عجیب‌وغریب است، دوست دارد خال مخفی‌اش به گرگ نشان‌دهد.

Another Great *perk* is that you get to show up ten minutes late for first period. (p. 154)

شادنظر: یکی دیگر از مزایای پلیس‌شدن این است که می‌توانی در اولین کلاس صبح، با ده دقیقه تاخیر حاضرشوی.

براساس ویژگی واژگانی باپرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است. کلمه غیررسمی perk به معنی مزایایی است که به‌طورقانونی علاوه‌بر دستمزد از کار دریافت‌می‌شود، مانند کالا، غذا یا ماشین. دراینجا هم گرگ و راولی هم به‌خاطراینکه پلیس مدرسه شده‌بودند، علاوه‌براینکه شکلات داغ مجانی می‌گرفتند، می‌توانستند ده دقیقه دیرتر سر کلاس حاضرشوند.

۲-۳ استراتژی دگرگشت یا تغییرمقوله‌دستوری

تفاوت‌های ساختاری بین زبان مبدأ و مقصد را ترجمه دگرگشت می‌خوانند؛ و به معنای تغییرمقوله‌دستوری عناصر متن مبدأ در متن مقصد است (نیومارک، ۸۶:۱۹۸۸).

But luckily, the people who make these things make them *parent- proof*. (p.25)

بافنده: ولی خوشبختانه آدمایی که این جور چیزا رو می‌سازن، اونا رو ضد والدین درست‌می‌کنن.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی به کارمی رود که یک مساله نمی‌تواند به کسی آسیب‌برساند. در اینجا گرگ می‌گوید اگر پدرم راه خراب‌کردن دستگاه ویدیویی را بلدبود، حتماً این کار را می‌کرد ولی این دستگاه را ضدوالدین می‌سازند که آن‌ها نتوانند کاری‌کنند. Proofدر انگلیسی اسم است اما بافنده آن را به

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

«ضد» که در فارسی صفت است تبدیل‌کرده و*Parent* را به‌صورت‌جمع برگردانده‌است.

I told him I wanted the Barbie Dream House, and he said he'd *hook me up*. (p.117)

شادنظر: به او گفتم که خانه‌ی عروسکی می‌خواهم و او رویم را زمین نینداخت.

براساس ویژگی جملات ناقص گرامری (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به‌معنی فراهم کردن چیزی برای کسی است. در روز کریسمس، گرگ از عمو چارلی برای هدیه این روز درخواستی داشت که برآورده‌شد. شادنظر در ترجمه hook me up، عبارت مثبت را منفی ترجمه‌کرده‌است.

۲-۴ استراتژی تغییرشیوهٔ بیان

این استراتژی بازتولید معنای متن مبدأ با رعایت هنجارهای فعلی زبان مقصد و از منظری دیگر است (نیومارک، ۸۸:۱۹۸۸).

But parents *eat that stuff up*. (p.122)

بافنده: اما اونا به هرحال با این قضیه کنار می‌یان.

این عبارت یک اصطلاح است و به معنی پذیرش کامل و بدون‌سؤال چیزی است. بنابراین، براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳) محاوره‌ای است. در این قسمت، گرگ برای پدر و مادر هدیه کریسمس گرفته است.

So two minutes later, He was *bouncing off the walls*. (p.193)

شادنظر: دو دقیقه بعد، پاستیل‌ها را روی دیوار بالا آورد.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است به‌معنی بیش از حدهیجان‌زده‌شدن و از هیجان بالاوپایین‌پریدن. در داستان، فرگلی تمام شیرین‌عسل‌های گرگ را خورده‌بود وچون نباید هیچ نوع قندی بخورد، بدنش واکنش نشان‌داده‌بود؛ بنابراین، شادنظر با استفاده از استراتژی تغییرشیوهٔ بیان، البته به‌اشتباه ترجمه کرده‌است.

۲-۵ استراتژی معادل جاافتاده درمیان مردم

مردم چنین معادلی را درحکم معادل مناسب پذیرفته‌اند و عدم‌تطابقی غیرمستقیم با ترجمه رسمی از آن محسوب‌می‌شود (نیومارک، 89:۱۹۸۸).

And you remember Rowley's *Big wheel* accident? (p.141)

بافنده: تصادف سه‌چرخه‌ی راولی را یادت‌میاد؟

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است. گرگ در این جمله می‌گوید که در حادثه تصادف سه‌چرخه، دست راولی شکسته‌است.

Right in the middle of our game, Mrs. Craig came around the corner and *caught us red-handed*. (p.34)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

شادنظر: وسط بازی، خانم گریک آمد و در حین ارتکاب جرم، مچمان را گرفت.

براساس ویژگی سخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و مترجم این اصطلاح انگلیسی را نزدیک به زبان فارسی ترجمه‌کرده و به گوش خواننده آشنا است.

۲-۶ استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای

این راهبرد، مقایسه یک کلمه متن مبدأ با یک کلمه مقصد است که معنای مشابهی دارد اما این تعادل یک‌به‌یک و واضح نیست. در وهله دوم این راهبرد، تقسیم یک واحد واژگانی به اجزای حسی آن است که اغلب یک به دو، سه یا چهار واحد ترجمه‌شده‌است (نیومارک، ۱۹۸۸:90).

I think they do that to make all the *out of shape* kids feel ashamed of themselves. (p.86)

بافنده: فکر می‌کنم اونا این کارو می‌کنن تا تموم کسایی که هیکلشون بدقواره است از خودشون خجالت‌بکشن.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است و زمانی استفاده‌می‌شود که کسی ازنظر جسمی به‌اندازه کافی ورزیده‌نیست زیرا در فعالیت‌های بدنی شرکت‌نکرده‌است. در داستان، در مدرسه، مسابقه فوتبال برگزار و بچه‌ها را به دو گروه تقسیم‌می‌شوند و گرگ به خاطر جثه ریزش همیشه در گروه لخت‌ها (نام یکی از گروه‌های کلاس) قرارمی‌گیرد. بافنده عبارت زبان مبدأ را به یک عبارت آشنا در زبان مقصد تبدیل‌کرده و با تحلیل اجزای out +of+ shape، معادل «بد+ قواره» را برای آن آورده است.

I think they do that to make all the *out of shape* kids feel ashamed of themselves. (p.86)

شادنظر: فکرکنم به این دلیل گروه‌بندی می‌کنند که بچه‌های بدهیکل از خودشان شرمنده‌شوند.

شادنظر نیز از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای استفاده کرده‌است و با تحلیل اجزای out +of+ shape، معادل «بد+ هیکل» را برای آن آورده‌است.

۲-۷ استراتژی جبران

این راهبرد زمانی محقق‌می‌شود که مترجم مجبور به حذف معنی، واج‌آرایی و یا استعاره از یک قسمت یا جمله می‌شود، و درعوض سعی‌می‌کند در یک قسمت یا جمله دیگر یا جمله‌ای پیوسته آن را جبران‌کند (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰).

I kind of decided to *throw in the towel* for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

بافنده: بالاخره تصمیم گرفتم به شکست خودم اعتراف کنم و راه‌افتادم طرف خونه راولی.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی استفاده‌می‌شود که برای انجام کاری دیگر تلاش‌نمی کنید زیرا می‌دانید که

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

نمی‌توانید موفق‌شوید. در این داستان، گرگ دیگر از کادوگرفتن بازی در روز کریسمس ناامید می‌شود. بافنده دراصل از استراتژی‌های معادل جاافتاده استفاده‌کرده اما این معادل به‌خوبی حذف this Christmas را جبران کرده‌است.

All I need is for *some jerk* to catch me carrying this book around and get the wrong idea. (p.1)

شادنظر: فقط کافی است چند احمق دوروبرم پیداکنم که وقتی این دفترچه را دستم می‌بینند، اشتباهی فکرکنند دفترچه خاطرات است.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و عامیانه است و به‌معنی یک فرد احمق یا آزاردهنده یا ظالم، بی‌ادب و کوته‌فکر است. شادنظر به‌اشتباه دگرداشت داشته و این کلمه را جمع‌بسته درحالی‌که some نشان‌دهنده نکره است اما به‌هرحال ترجمه اصطلاحی خوبی ارائه‌داده‌است و درواقع اشتباه خود را جبران‌کرده‌است.

۲-۸ استراتژی دگرگفت

این راهبرد، درواقع توضیح معنای بخشی از متن است (نیومارک،۱۹۸۸:۹۰). برای‌مثال، مترجم در برگردان عنصر فرهنگی خاص زبانِ مبدأ که به‌صورت نشانه اختصاری است، شکل کامل زبان مقصد را می‌آورد (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:260)

I was pretty good at *Home Ec 1*. (p.145)

بافنده: چون توی اقتصاد منزل ۱ نمره‌ی عالی گرفته‌بودم.

I was pretty good at *Home Ec 1*. (p.145)

شادنظر: چون نمره‌ی درس اقتصاد خانگی یکم خوب‌شد.

به‌نظر مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)، کلمه کوتاه شده جزو عبارت محاوره‌ای است. در اینجا گرگ می‌خواست واحد اقتصادمنزل ۲ را بردارد چون ۱ آن را خیلی خوب گذرانده‌است. بافنده و شادنظر عبارت کوتاه‌شده را کامل ترجمه‌کرده‌اند.

۲-۹ استراتژی معادل فرهنگی

در این راهبرد، به‌جای عنصر فرهنگی زبان مبدأ از عنصر فرهنگی موجود در زبان مقصد استفاده‌می‌شود، البته امکان‌دارد تفاوت‌هایی بین این دو باشد؛ مثلاً چشم اسفندیار به‌جای پاشنهٔ آشیل به‌کارمی‌رود (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:257).

Teacher̀ s pet. (p.178)

بافنده: پسره خود شیرین کن.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و غیررسمی است و به کودکی اشاره‌دارد که همه فکرمی‌کنند شاگرد موردعلاقه معلم است و

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

به‌همین‌دلیل سایر دانش آموزان او را دوست‌ندارند.

I thought Mr. Winsky would make us do a bunch of *chin-up* or *jumping jack*s or something to prove we were up for the jib. (p.152)

شادنظر: فکر می‌کردم آقای وینسکی از ما می‌خواهد کاراته بازی‌کنیم، شق و رق را برویم یا کاری‌بکنیم که نشان‌دهد به درد پلیس‌شدن می‌خوریم.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است.Chin- up به معنای بارفیکس‌رفتن است. Jumping jacks نیز به معنای حرکات پروانه‌ای در ایروبیک است. در این عبارت گرگ فکرمی‌کرد برای اینکه گشت ایمنی بشود باید برای آقای وینسکی حرکات ورزشی انجام‌دهد، ولی درواقع این‌طور نبوده‌است. شادنظر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده‌کرده اما به معادل نادرست انجامیده‌است؛ اما به‌هرحال معادله‌ای ارائه‌شده با بافت همخوانی‌دارند و به نحوی این اشتباه را جبران‌کرده‌است.

۲-۱۰ استراتژی‌های بسط و فشرده‌سازی

در بسط، مترجم جزئیاتی را که در متن اصلی وجودندارد به ترجمه‌اش می‌افزاید و واژه یا عبارت را تفصیل‌می‌دهد. درواقع، مترجم مجبورمی‌شود خلأ اطلاعاتی در زبان مقصد را پرکند (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰).

Really? *Gotcha*. But do I have "low" intelligence. (p.20)

بافنده: واقعاً؟ مچت رو گرفتم؛ یعنی من هوش پایینی دارم؟

براساس ویژگی جملات ناقص گرامری (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت، نوع محاوره‌ای I've got you است و وقتی استفاده‌می‌شود که کسی را می‌گیرید یا به‌نوعی فریبش می‌دهید. در این جملات گرگ سربه‌سر راولی می‌گذارد و هر کاری را که برادرش با او کرده روی راولی امتحان‌می‌کند.

A little while later, Rowley told me he needed a *potty break*. (p.68)

شادنظر: کمی که گذشت، رالی گفت که «باید برود دستشویی»

شادنظر اینجا درمقابل عبارت دوکلمه‌ای انگلیسی، معادلی سه‌کلمه‌ای آورده است.

در فشرده‌سازی، آنگاه‌که اطلاعاتی به نظر مترجم غیرضروری، حشو و نالازم‌اند، آن‌ها را کوتاه‌تر می‌کند و معمولاً هدف از آن، جلوگیری از تکرار نابه‌جا در زبان مقصد و به‌منظور هرچه طبیعی‌ترکردن زبان ترجمه است (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:۲۵۲).

I'll admit maybe we stretched the truth a little in our advertisement, but we had to make sure people actually people actually *showed up*. (p.55)

بافنده: قبول دارم که توی تبلیغاتمون یه کمی پیاز داغشو زیادکردم، ولی باید مطمئن می‌شدیم که مردم واقعا میان.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

براساس ویژگی جملات ناقص دستوری (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است. عبارت show up به‌معنی «حضوریافتن» است. در اینجا گرگ و راولی که تبلیغات خانه ارواح خودشان را انجام‌می‌دهند، کمی زیاده‌روی می‌کنند تا مطمئن شوند مردم حتماً به خانه آن‌ها می‌آیند. مترجم ترجمه اصطلاحی را با استراتژی فشرده‌سازی ارائه‌می‌دهد و «میان» در مقابل show up آمده‌است.

And get this: He actually got a PROMOSION. (p. 187)

شادنظر: تازه ترفیع هم گرفته.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و دو معنی to be told/understand دارد و درمقابل سه واحد واژگانی زبان مبداء، برگردان زبان مقصد، یک واحد واژگانی است.

۲-۱۱ استراتژی حذف

در مواردی چاره‌ای جز حذف نیست، مثلاً به علت مسائل اخلاقی یا دینی، سانسور و موقعیت‌هایی که مفاهیمی با ذوقیات و فرهنگ زبان مقصد سازگارنیست، مترجم مجبور می‌شود بخشی از پیام را برنگرداند. درصورتی‌که معنای واژه‌ای در روال کلی متن چندان مهم نباشد و ازطرف‌دیگر، ترجمهٔ آن به‌دلیل نبودن معادل، در امر ارتباط اخلال‌ایجادکند می‌توان آن را حذف‌کرد، به‌شرط آن‌که نقش مهمی در درك مطلب نداشته‌باشد (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:250).

Dad actually *won that argument*. (p.117)

بافنده: کل جمله را حذف‌کرده‌است.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی متقاعدکردن کسی از طریق استدلال و برنده‌شدن در بحث با اوست. پدر گرگ، او را راضی‌کرده که فهرست هدیه‌های کریسمس را تغییردهد. بافنده به هرحال این جمله را ترجمه نکرده‌است.

Most kids wake up early on Saturday to watch cartoons *or whatever*, but not me. (p.16)

شادنظر: اکثر بچه‌ها روزهای جمعه زود بیدارمی‌شوند تا کارتون تماشاکنند، اما من نه.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی استفاده‌می‌شود که شما معنی دقیق چیزی یا نام دقیق کسی یا چیزی را نمی‌دانید. در این عبارت گرگ می‌گوید که همه بچه‌ها در روزهای تعطیل به خاطر تماشای کارتون از خواب بیدارمی‌شوند ولی او این‌طور نیست. شادنظر این عبارت را ازجمله حذف کرده‌است.

۲-۱۲ استراتژی ترکیبی

گاهی مفهوم و منظور عنصر زبانِ مبدأ را بااستفاده از تنها یک روش و راهبرد نمی‌توان انتقال‌داد یا

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

مترجم دو یا چند روش را هم‌زمان به‌کارمی‌گیرد (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:۲۶۶).

And then Manny brought it into day care for *show-and-tell*. (p.41)

بافنده: مانی هم اونو برده مهد کودک تا سرکلاس درباره‌ش حرف‌بزنه.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است و زمانی استفاده‌می‌شود که در کلاس‌های مقطع ابتدایی، بچه‌ها مطلب یا شیء جالبی برای نشان‌دادن به بقیه کلاس می‌آورند. اینجا هم مانی مجله رودریک را به مدرسه‌برده تا به دوستانش نشان‌دهد. بافنده از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل کارکردی استفاده کرده پس از راهبرد ترکیبی به‌کاربرده‌است.

I'll take these kids home, but believe me, I didn't *sign up for* any diaper duty. (p.155)

شادنظر: همه‌ی بچه‌ها را بردم خانه، باورکن، برای عوض‌کردن پوشک بچه ها پلیس نشده‌بودم.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی قول‌دادن به انجام کاری با امضای نام و پیوستن به کاری است. در این داستان، زمانی که گرگ گشت ایمنی شده‌بود و بچه‌ها را به خانه‌شان می‌رساند، یکی از بچه‌ها دستشویی کرده‌بود و گرگ می‌گوید وظیفه من عوض‌کردن پوشک نیست. شادنظر از استراتژی‌های تغییرشیوة بیان و معادل فرهنگی استفاده کرده و در این عبارت کلمه پلیس را آورده که وظایفی دارد تا منظور را به مخاطب فارسی‌زبان برساند و بنابراین راهبردش ترکیبی است.

پرسش دوم تحقیق در مورد فراوانی استفاده از استراتژی‌های نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) در هر ترجمه بود. در جدول ذیل دسته‌بندی‌های ویژگی عبارات محاوره‌ای مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳) به همراه فراوانی و درصد ۱۰۰ عبارات محاوره‌ای از کتاب اصلی «خاطرات یک بی‌عرضه» آمده‌است.

جدول۱. فراوانی و درصد ویژگی‌های زبان محاوره‌ای مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)

انواع ویژگی محاوره‌ای	درصد	فراوانی
جملات ناقص دستوری	%۱۷	۱۷
اختصار	%۹	۹
واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده	%۲۱	۲۱
ساخت‌های اصطلاحی	%۳۴	۳۴
لحن آشنا	%۱۹	۱۹
جمع	۱۰۰	۱۰۰

پس از جمع‌آوری داده‌ها، ارزیابی عملکرد این دو مترجم در استفاده از استراتژی ترجمه نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) هنگام مواجهه با عبارات محاوره‌ای انگلیسی در کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» ، تجزیه‌وتحلیل شد؛ و نتایج به‌دست‌آمده از این دو مترجم در جداول زیر آمده‌است.

جدول ۲. فراوانی و درصد استراتژی‌ها در ترجمه بافنده

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

استراتژی ترجمه	فراوانی	درصد
انتقال ترجمه	۰	۰
طبیعی‌سازی	۰	۰
معادل کارکردی	۴	%۴
معادل توصیفی	۳	%۳
ترادف	۶	%۶
گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)	۱۶	%۱۶
دگرگشت یا تغییرمقوله‌دستوری	۲	%۲
تغییرشیوهٔ بیان	۸	%۸
معادل جاافتاده درمیان مردم	۴	%۴
تحلیل مؤلفه‌ای	۳	%۳
جبران	۳	%۳
دگر گفت	۲	%۲
یادداشت	۰	%۰
معادل فرهنگی	۲۶	%۲۶
برجسته‌سازی	۰	%۰
بسط	۱	%۱
فشرده‌سازی	۳	%۳
حذف	۴	%۴
ترکیبی	۱۵	%۱۵
مجموع	۱۰۰	%۱۰۰

جدول ۳. فراوانی و درصد استراتژی‌ها در ترجمه شادنظر

استراتژی	فراوانی	درصد
انتقال ترجمه	۰	%۰
طبیعی‌سازی	۰	%۰
معادل کارکردی	۴	%۴
معادل توصیفی	۵	%۵
ترادف	۴	%۴
گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)	۲۲	%۲۲
دگرگشت یا تغییرمقوله‌دستوری	۳	۳%
تغییرشیوهٔ بیان	۵	%۵
معادل جاافتاده درمیان مردم	۴	%۴
تحلیل مؤلفه‌ای	۲	%۲
جبران	۴	%۴

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

دگر گفت	۲	%۲
یادداشت	۰	%۰
معادل فرهنگی	۱۱	%۱۱
برجسته‌سازی	۰	%۰
بسط	۴	۴%
فشرده‌سازی	۱	%۱
حذف	۵	%۵
ترکیبی	۲۴	%۲۴
مجموع	۱۰۰	100%

در کل، نتایج به‌دست‌آمده نشان‌می‌دهد بیشترین استراتژی مورداستفاده برای ترجمه این ۱۰۰ عبارات محاوره‌ای، استراتژی معادل فرهنگی در ترجمه‌های بافنده و استراتژی ترکیبی در ترجمه شادنظر است. علاوه‌براین، بافنده صرفاً یک‌بار استراتژی بسط و نیز شادنظر صرفاً یک‌بار استراتژی فشرده‌سازی را به‌کاربرده‌است. همچنین هیچ‌کدام از مترجمین از استراتژی‌های یادداشت، برجسته‌سازی، انتقال ترجمه و طبیعی‌سازی استفاده‌نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده مشخص‌شد که از بین ۱۷ استراتژی نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، بافنده بیشتر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده‌کرده‌است (۲۶%). در مقابل، شادنظر بیشتر راهبرد ترکیبی (۲۴%) را برای عبارات محاوره‌ای به‌کاربسته است. دیگر تمایل دو مترجم عبارت از گرته‌برداری (۱۶% بافنده و ۲۲% شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵% بافنده) است. به نظر نیومارک (۱۹۸۸: ۸۳)، معادل‌های فرهنگی تأثیر کاربردشناختی بیشتری نسبت به اصطلاحات خنثی دارند. ازسوی‌دیگر، وی معتقداست که چنانچه مترجم باید تصمیم‌بگیرد که آیا یک کلمه ناآشنا و عنصر فرهنگیِ زبان مبدأ با مرجع مختص آن فرهنگ را به زبان مقصد منتقل‌کند یا نه، معمولاً آن را با کاربرد استراتژی دیگری تکمیل‌می‌کند و راهبرد ترکیبی به‌کارمی‌برد که استراتژی رایجی برای ترجمه عناصر فرهنگی است و مترجمان باید استفاده از راهبرد ترکیبی را برای ترجمه اصطلاحات فرهنگی درنظربگیرند (نیومارک، ۹۱:۱۹۸۸).

ازیک‌سو، گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) برای مخاطبان این امکان را فراهم‌می‌آورد که معنای مستقیم زبان مبدأ را درک‌کنند و مترجم می‌تواند بدون هیچ‌گونه تفسیر اضافی به متن اصلی وفادارباشد و معنی را نیز حفظ‌کند (اولویدین و آبراموویته، ۱۰۵:۲۰۱۲). از سوی‌دیگر، نیومارک (۸۴:۱۹۸۸) گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) را برای عناصری فرهنگی، مشمرثمرمی‌داند که فرهنگ‌های مبدأ و مقصد به هم نزدیک باشند. البته وی در مورد همنشینها، نیز گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) را

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

مجازمی‌داند. به‌هرحال، شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) درمواردی از این استراتژی استفاده‌کرده‌اند ازجمله در ترجمه اصطلاحات و همنشیهای زیر:

But as usual, Dad *didn't see my logic*. (p.24)

بافنده: ولی مس همیشه بابا منطق منو نمی‌فهمید.

Rodrick told me the chainsaw has a rubber blade But I wasn't *taking* any *chances*. (p.52)

البته در مثال زیر، مترجم به‌اشتباه شانس را «فرصت» ترجمه‌کرده و «امتحان‌کردن» را خود اضافه‌کرده‌است.

شادنظر: رودریک گفته بود تیغه‌ی اره‌برقی پلاستیکی است، اما من فرصت‌نکردم آن را امتحان کنم.

We got out of there *in a hurry* and we went back to where the rest of the guys were. (p.81)

شادنظر: باعجله ازآنجا خارج و به بقیه پسرها ملحق‌شدیم.

Fifteen more!! *Come on*. (p.91)

بافنده: هنوز پونزده تا مونده! زودباش.

شادنظر: باید پونزده بار دیگه دمبل‌بزنی! زودباش.

I knew that would make Dad *take my side*. (p.96)

بافنده: می‌دونستم با این حرفم بابا طرف منو میگیره.

شادنظر: می‌دانستم بابا طرف من را می گیرد.

استفاده اندک بافنده از استراتژی‌های بسط ۱% ، دگر گفت ۲%، و دگرگشت % ۲ و نیز کاربرد اندک استراتژی‌های فشرده‌سازی ۱%، دگر گفت۲% و تحلیل مؤلفه‌ای ۲% در ترجمه شادنظر نیز جالب‌توجه است. البته بافنده به‌صورت‌ترکیبی از بسط و دگرگشت استفاده‌کرده‌است. برای‌مثال، بافنده از عبارت اون جور چیزا به‌جای کلمه «غیره» استفاده و غیررسمی ترجمه‌کرده و از استراتژی بسط و معادل توصیفی به صورت‌ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

That's when we started getting cocky, making monkey noises at the teenagers and *whatnot*. (p.72)

بافنده: اون موقع بود که کم‌کم به خودمون مغرورشدیم و شروع‌کردیم به درآوردن صدای میمون و اون جور چیزا

به همین‌ترتیب، بافنده از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای، دگرگشت (تبدیل عبارت‌اسمی به عبارت‌فعلی) و بسط همزمان در ترجمه عبارت محاوره ای زیر استفاده‌کرده‌است.

Walking the kids home was *no sweat*. (p.155)

بافنده: رسوندن اون کوچولوها به خونه شون زحمتی نداشت.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

درمثال زیر نیز می بینید که شادنظر نیز از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای، فشرده‌سازی و معادل فرهنگی به صورت ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

I kind of decided to *throw in the towel* for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

شادنظر: تصمیم گرفتم بی خیال کریسمس امسال بشوم و رفتم خونه راولی.

در مورد تحلیل مؤلفه‌ای می‌توان گفت که به نظر نیومارک (96:1998)، یک کاربرد آن در ترجمه واژه‌هایی فرهنگی است که خوانندگان بعید است آن‌ها را بفهمند. تحلیل مؤلفه‌ای، فرهنگ را حذف و پیام را برجسته‌می‌کند. ممکن‌است تحلیل مؤلفه‌ای فوق‌العاده مفید باشد، برای مثال، چنانچه کلمه زبان مبدأ کمابیش عاری از بافت باشد و یا مترجم بخواهد محدوده معنایی یک کلمه را در زبان مبدأ نشان‌دهد. درست‌است که شادنظر فقط دو بار به‌تنهایی از تحلیل مؤلفه‌ای استفاده‌کرده‌است اما درترکیب با سایر استراتژی‌ها فراوان آن را به‌کاربرده‌است. در اولین مثال، وی از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل توصیفی به صورت راهبرد ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

from the front of But right before the test got started, Patty Farrell *piped up* the room. (p.94)

شادنظر: اما قبل از شروع امتحان، صدای پتی فارل از جلو کلاس درآمد.

در مثال زیر نیز، مترجم از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل فرهنگی به صورت ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

I was sitting on the couch watching Manny play with his toys, *feeling pretty sorry for myself*. (p.126)

شادنظر: نشستم روی مبل و به مانی که با اسباب‌بازی‌هایش بازی‌می‌کرد، نگاه‌کردم و دلم به حال خودم سوخت.

در جمله زیر، باز مترجم از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای، فشرده‌سازی و معادل فرهنگی به‌صورت‌ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

I kind of decided to *throw in the towel* for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

شادنظر: تصمیم‌گرفتم بی خیال کریسمس امسال بشوم و رفتم خونه راولی.

مترجم باردیگر در ترجمه عبارت محاوره ای زیر از استراتژی‌های معادل فرهنگی و تحلیل مؤلفه‌ای به‌صورت‌ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

In case you're wondering what I'm doing in my room at 9.00 p.m. on NewYear's Eve, *let me fill you in*. (p.133)

شادنظر: اگر برایت جالب است بدانی ساعت نه شب سال نو در اتاقم چه می‌کردم، بگذار خودم برات بگویم.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

می‌بینیم که مترجم در ترجمه no sweat استراتژی تحلیل مولفه ای، دگرگشت (تبدیل عبارت اسمی به عبارت فعلی) را به‌کاربرده، پس راهبردش ترکیبی است.

Walking the kids home was *no sweat*. (p.155)

شادنظر: پیاده‌بردن بچه ها به خانه، کار سختی نبود.

مترجم، با آوردن معادل «نشان‌بدهد»، از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل کارکردی به‌صورت‌ترکیبی استفاده‌کرده‌است.

And then Manny brought it into day care for *show-and-tell*.

شادنظر: بعد هم مانی مجله را با خودش به مهد کودک برده‌بود تا آن را به همه نشان‌بدهد.

مترجم در آخرین مثال از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای استفاده و یکی از دو معنا را انتخاب‌کرده‌است. همچنین با تغییرشیوهٔ بیان، اسم حالت را به اسم فاعل ترجمه‌کرده‌است و راهبرد ترکیبی به‌کاربرده‌است.

Integrity Honesty *Know-how* (p.46)

شادنظر: با کمالات صادق دانا

در مورد پایین بودن فراوانی دگرگفت در ترجمه هردو مترجم باید گفت که پژوهشگران براساس تعریف عملیاتی هاشمی‌میناباد (۲۶۰:۱۳۹۶) از دگرگفت، داده‌ها را تحلیل‌کردند. و وقتی برای عنصر فرهنگی خاصی، مترجم شکل کامل نشانه اختصاری را در زبان مقصد آورده‌بود، بنابر این گذاشته‌شد که وی از این روش استفاده‌کرده‌است؛ و فقط دو مورد دگر گفت در هر ترجمه یافت‌شد.

در مقام مقایسه یافته‌های این تحقیق با نتایج سایر پژوهش‌ها می‌توان گفت که در پژوهش غلامی و سلیمی (۲۰۱۲، ۱۳) در مورد سه ترجمه عبارات محاوره‌ای رمان هاکلبری‌فین براساس استراتژی‌های نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) و بیکر (۳۶:۱۹۹۲-۲۶)، ترجمه با کلمه خنثی‌تر استراتژی غالب در هر سه ترجمه بود، بدین‌معنی که مترجمان مفهوم عبارات محاوره‌ای را رسانده‌اند اما در درجه بالاتری از رسمیت در مقیاس سبکی نیومارک (۱۴:۱۹۹۸). درمقابل، برای‌مثال، یکی از مترجمان تحقیق مذکور ۱٫۳% از معادل فرهنگی، ۱٫۴% از گرته‌برداری، و ۰% از راهبرد ترکیبی استفاده‌کرده‌است، درحالی‌که معادل فرهنگی، گرته‌برداری و راهبرد ترکیبی استراتژی‌های غالب در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) است شاید به‌این‌دلیل که درداده های غلامی و سلیمی (۲۰۱۲)، پرتکرارترین عبارت محاوره‌ای، اختصارات (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳) بودند (۴۵%)، اما داده‌های حاصل از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، اصطلاحات حجم عمده داده‌ها را تشکیل‌می‌دادند (۳۴%).از سوی‌دیگر، دست‌کم در مورد کاربرد فراوان معادل فرهنگی در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) نمی‌توان خرده‌گرفت چراکه بنا به گفته هاشمی‌میناباد (۲۵۷:۱۳۹۶)، برای ترجمه عبارت‌های محاوره‌ای، جایگزینی یک کلمه فرهنگی در زبان مبدأ با یک کلمه فرهنگی در زبان مقصد یا همان معادل فرهنگی کاربرد وسیعی دارد. به‌عبارتی ، مترجم به‌جای عنصر فرهنگی زبان مبدأ از عنصر فرهنگی موجود در زبان مقصد استفاده‌می‌کند و باوجوداینکه امکان‌دارد تفاوت‌هایی بین این دو باشد، این‌گونه معادل‌یابی صحیح است.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

در پژوهش مهدوی‌ثابت (i:۱۴۰۱)، بااینکه استراتژی‌های گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱) برای عبارات محاوره‌ای منطبق با مدل مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) در زیرنویس انیمیشن‌ها استفاده‌شده‌است ولی چند استراتژی مشترک با استراتژی‌های نیومارک (:۸۸911988-۸۱) دارد و مقایسه یافته‌های دو تحقیق خالی از لطف نیست. برعکسِ راهبردهای مورداستفاده شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، مهدوی‌ثابت (i:۱۴۰۱) کاربرد استراتژی انتقال را ۶۳% و به‌عنوان استراتژی غالب مترجم تحقیق خود شناسایی کرد. همانند وی، برزگر (۱:۲۰۰۸) راهبردهای زیرنویس فارسی عبارات محاوره‌ای (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳؛ هلمز، 256:۱۹۹۲) در دو فیلم کمدی انگلیسی را بررسی‌کرد؛ و بیشترین استراتژی ترجمه‌ها در زیرنویس آن دو فیلم کمدی نیز انتقال بود. این درحالی‌که است که در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی انتقال هیچ استفاده‌ای نشده‌است. شاید به این دلیل که مقوله غالب بیان محاوره‌ای در پژوهش وی اختصارات بود (بیش از نیمی از تمام عبارات محاوره‌ای) که استراتژی انتقال را برای ترجمه می‌طلبید؛ ولی در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، عبارات محاوره‌ای اصطلاحی بیشتر از سایر انواع عبارات محاوره‌ای در داده‌ها موجودبود که با معادل فرهنگی، گرته‌برداری و راهبرد ترکیبی برگردان‌شده‌بودند.

در مقایسه‌ای دیگر می‌توان‌دید که بیشترین ویژگی عبارات محاوره‌ای در داده‌های تحقیق ظفرقندی و فلاحت دوست (۲۲۳:۲۰۱۳) و در سه ترجمه فارسی کتاب پیرمرد و دریا، ویژگی اختصارات (مک‌کریمون،۱۹۶۳:۱۷۳) بود (۵۲%) و شاید به این دلیل آنان تشخیص‌دادند که مترجمان بیشتر از استراتژی‌های حذف، ترادف و بسط استفاده‌کرده‌اند. بالعکس، قسمت عمده داده‌های تصادفی از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) را اصطلاحات تشکیل‌می‌دادند و درنتیجه آنان به معادل فرهنگی، گرته‌برداری و راهبرد ترکیبی روی‌آورده‌اند.

صادق‌پور (iv:۱۳۹۲) نیز به بررسی استراتژی‌های ترجمه مورداستفاده در دوبله انیمیشن‌های کمدی از انگلیسی به فارسی پرداخته‌است. یافته‌های وی نشان‌داد که مترجمان فارسی به‌جای ترجمه تحت‌اللفظی، تمایل به استفاده از عبارات آشنا دارند، درحالی‌که گرته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) فراوانی بالایی در داده‌های تصادفی از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) دارد. شاید این نکته نشان‌می‌دهد که دوبله فیلم و ترجمه رمان مستلزم کاربرد استراتژی‌های ترجمه متفاوتی هستند. دیگر شاهد این تفاوت ترجمه دیداری-شنیداری و ترجمه مکتوب را در تحقیق صالح‌آبادی (iv:۱۴۰۱) می‌توان یافت. وی با کاربرد مدل مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) برای عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های زیرنویس توسط مدل گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱)، به بررسی عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های ترجمه در زیرنویس انیمیشن‌های شرک و عصریخبندان پرداخت و دریافت که استراتژی انتقال با فراوانی ۱۳۶ بار، غالب‌ترین و پرکاربردترین استراتژی است. این درحالی‌است که شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی انتقال استفاده‌نکرده‌اند.

در بررسی ترجمه فارسی به انگلیسی عبارات محاوره‌ای و عامیانه آثار جمال‌زاده «سروته یک کرباس» و «یکی بود یکی نبود» به همت جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱)، عبارات محاوره‌ای با ویژگی مدل‌های مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳) و هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶) بررسی‌شدند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

ازآنجاکه تعداد داده‌های آنان ۸۴ عبارت بوده و تقریباً هم‌تعداد داده‌های پژوهش حاضر است (۱۰۰ عبارت) ، جالب است که مترجمان جمعاً در تحقیق آنان همانند شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی دگرگشت کم استفاده‌کرده‌اند؛ بافنده ۲%، شادنظر ۳% و مترجم‌های تحقیق جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۱۰۱۱:۲۰۱۷) ۳%. نیز استفاده اندک آنان از استراتژی معادل توصیفی؛ مترجم‌های تحقیق آنان ۲٫۵%، و درمقابل بافنده ۳% و شادنظر ۵%؛ جلب‌توجه می‌کند. دیگر وجه تشابه بین یافته‌های آنان و نتایج حاصل از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، میزان استفاده از استراتژی حذف است؛ بافنده %۴، شادنظر% ۵ و مترجم‌های تحقیق آنان، ۵%؛. نهایتاً در دگرگفت هم مترجم‌های تحقیق آنان، ۲% و همانند شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) هم هرکدام ۲% از دگر گفت استفاده‌کرده‌اند. درست‌است که ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) انگلیسی به فارسی است و پژوهش جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱) بر ترجمه فارسی به انگلیسی متمرکزبود، اما ژانر هر دو رمان و ادبیات داستانی بود و این نتایج مشابه تا حدی نمایانگر لزوم کاربرد استراتژیهای یکسان در ترجمه یک ژانر ادبی واحد است.

درکل، مشخص‌شد که از بین ۱۷ استراتژی نیومارک (:۸۸۹۱۱۹-۸۱) برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، بافنده (۱۳۹۰) بیشتر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده‌کرده‌است (۲۶%) که نشان‌می‌دهد وی به فرهنگ زبان مقصد (فارسی) و بومی‌سازی متن ترجمه گرایش داشته‌است. درمقابل، شادنظر (۱۴۰۰) بیشتر خلاقیت به خرج‌داده و راهبرد ترکیبی (۲۴%) برای عبارات محاوره‌ای ارائه‌داده‌است. دیگر تمایل دو مترجم عبارت است از گرته‌برداری (۱۶% بافنده و ۲۲% شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵% بافنده) است که نشان‌دهنده چاره‌اندیشی زیرکانه بافنده (۱۳۹۰) درعین استفاده هم‌زمان از بومی و بیگانه‌سازی در ترجمه است؛ آنجا که معادل فرهنگی ممکن‌بوده بدان تمسک‌جسته و آنجا که نه، گرته‌برداری‌کرده و یا دو استراتژی را خلاقانه باهم ترکیب‌کرده‌است. شادنظر (۱۴۰۰) نیز آنجا که نتوانسته دو استراتژی را باهم ترکیب‌کند، همانند بافنده (۱۳۹۰) به گرته‌برداری (۲۲%) و بیگانه‌سازی روی‌آورده و پس ازآنجا هم به معادل فرهنگی (۱۱%)؛ گویی در ترجمه عبارات فرهنگ- محور محاوره‌ای، چاره‌ای جز بیگانه‌سازی و بومی‌سازی توأمان و خلاقیت نیست. البته شاید دلیل مسئله فوق این است که بیشتر عبارات محاوره‌ای در این ۱۰۰ مورد، اصطلاح است همچنان که نیومارک (114:1988) بر اهمیت درک بافت اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه درست آن‌ها تأکیدکرده‌است. درمجموع، اگرچه عبارات محاوره‌ای، عناصر فرهنگی و اصطلاحات در زبان اهداف متفاوتی دارند، اما مواردی وجوددارد که آن‌ها باهم تلاقی‌می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، یک اصطلاح می‌تواند یک عبارت محاوره‌ای باشد، یا یک اصطلاح محاوره‌ای ممکن‌است حاوی عناصر خاص فرهنگی باشد. درچنین مواردی، مترجمان باید از این ویژگی‌های همپوشانی آگاه‌باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده‌کنند (نیومارک،، 141:1988). این نیز توجیهی است برای اینکه مترجمان از استراتژی ترکیبی برای این عبارات محاوره‌ای استفاده‌کردند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

البته با نگاهی کلی به مجموعه داده‌ها درمی‌یابیم که معیار خاصی برای استفاده از استراتژی خاصی برای ترجمه محاوره‌ای وجودنداشته و تاحدی به سلیقه و دانش مترجمان و وفاداری آنان به متن مبدأ بستگی‌داشته‌است. به‌عبارتی، ترجمه همانند «نقاشی» است و محصول هر ترجمه صحنه‌ای را برای مخاطب به‌نمایش‌می‌گذارد اما فضای متن مبدأ را کامل دربرنمی‌گیرد. هنگامی که مترجم دیگری همان متن را دوباره ترجمه‌می‌کند، تفاوت‌هایی ظریف پدیدارمی‌شوند و نمی‌توان این نقاشی را با پالت و قلم‌موهای دیگر، عیناً به تصویرکشید (تیوربرگ، ۲۰۱۴ :۲). ازطرفی، قواعد مشخصی برای ترجمه عبارات محاوره‌ای وجودندارد، پس این مترجم است که ابتدا در مورد اولویت‌های خود تصمیم‌می‌گیرد و سپس مناسب‌ترین ترجمه را انتخاب و ارائه‌می‌کند (اولویدین و آبراموایته، ۲۰۱۲، ۱۰۵).

ازآنجاکه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، به‌خوبی و با موفقیت برگردان‌هایی ارائه‌داده‌اند که موجب‌شده درکل از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» در ایران استقبال‌شود، پیشنهادمی‌شود مترجمان آتی رمان‌های دارای عبارات محاوره‌ای، از دو استراتژی پرکاربرد معادل فرهنگی و راهبرد ترکیبی آن‌ها، در ترجمه عبارات محاوره‌ای استفاده‌کنند. همچنین، بهتراست در ترجمه عبارات محاوره‌ای که اصطلاح هستند از استراتژی معادل فرهنگی استفاده‌کنند. درآخر، شایسته است که استادان رشته مترجمی در کلاس‌های ترجمه متون ادبی، درابتدا عبارات محاوره‌ای انگلیسی را به دانشجویان بشناسانند و سپس با طرح مثال، نحوه کاربرد استراتژی‌های نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) در ترجمه این عبارات را به آنان بنمایانند تا در آینده حین ترجمه عبارات محاوره‌ای بخصوص در رمان‌های انگلیسی به فارسی بتوانند از این استراتژی‌ها مخصوصاً معادل فرهنگی، راهبرد ترکیبی و گرته‌برداری استفاده‌کنند.

ازآنجاکه در تحقیق حاضر، عبارات محاوره‌ای براساس مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳) انتخاب‌شد ولی مدل هلمز (۲۵۶:۱۹۹۲) و ویژگی‌های عبارات محاوره‌ای پارتریج (262:۱۹۹۰) وی بررسی‌نشد، تحقیقات آینده می‌توانند عبارات محاوره‌ای را براساس این دو چارچوب نظری و یا براساس ترکیبی از سه مدل انتخاب‌کنند. دیگر موضوع پیشنهادی این است که بررسی‌شود ترجمه کدام نوع عبارت محاوره‌ای - براساس مدل پیشنهادی مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)، هلمز (۲۵۶:۱۹۹۲)، ویژگی‌های عبارات محاوره‌ای پارتریج (262:۱۹۹۰) و یا ترکیبی از هر سه- در ترجمه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، مستلزم کاربرد کدام استراتژی ترجمه نیومارک (:۹۱۱۹۸۸-۸۱) است و با چه فراوانی. همچنین، در این تحقیق فقط جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» موردبررسی قرارگرفت و با انتخاب ۱۰۰ عبارت، در تحقیقات پیش رو می‌توان جلدهای دیگر و تعداد بیشتر عبارات محاوره‌ای را هم بررسی‌کرد.

درآخر نیز می‌توان‌گفت که این تحقیق فقط عبارات محاوره‌ای رمان را بررسی‌کرد ولی محققان دیگر می‌توانند دوبله یا زیرنویس این‌گونه عبارات را در انیمیشن‌ها و فیلم‌ها بررسی‌کنند و براساس سایر دسته‌بندی‌های استراتژی‌های ترجمه عناصر اصطلاحی و فرهنگی همچون مولینا و آلبیر (۲۰۰۴: ۵۰۹-۵۱۱) چراکه اصطلاحات و عناصر فرهنگی با عبارات محاوره‌ای همپوشانی بسیار دارند (نیومارک، 141:1988). علاوه‌براین، ساتن (۱۹۵۶:۱۱-۴۲) عبارات محاوره‌ای فارسی،

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

طبقه‌بندی‌کرده‌است که می‌تواند مبنای بررسی معادلهای فارسی برای عبارات محاوره‌ای رمان‌ها، انیمیشن‌ها و فیلم‌های انگلیسی قرارگیرد؛ آن‌هم افزون بر نوع دسته‌بندی‌های عبارات محاوره‌ای در انگلیسی و استراتژی‌های ترجمه عبارات محاوره‌ای که می‌توانند مبنای تحقیق قرارگیرند تا مشخص‌شود آیا مترجمان توانسته‌اند عبارات محاوره‌ای انگلیسی را به عبارات محاوره‌ای فارسی برگرداند یا خیر.

منابع و مآخذ

کینی، جف. (۱۴۰۰) ، خاطرات یک بی‌عرضه. مترجم: ندا شادنظر. تهران: ایران‌بان.

کینی، جف.(۱۳۹۰)، خاطرات یک بی‌عرضه. مترجم: فرخ بافنده، تهران: جیحون.

صادق‌پور، حمیدرضا . (۱۳۹۲). بررسی روش‌های ترجمه در دوبله فارسی کارتون‌های انیمیشن انگلیسی با تأکید بر عبارات طنز، اصطلاح و محاوره پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد.]. گنج، پایگاه اطلاعات علمي ايران (ايرانداك).

صالح‌آبادی، امیر.(۱۴۰۱). بررسی عبارات محاوره‌ای و راهبردهای ترجمه مرتبط در زیرنویس انیمیشن شرک و عصر یخبندان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان]. گنج، پایگاه اطلاعات علمي ايران (ايرانداك).

مهدوی‌ثابت، محمود. (۱۴۰۱). بررسی عبارات محاوره‌ای و راهبردهای ترجمه آن‌ها در زیرنویس فیلم انیمیشن عصر یخبندان(۲۰۰۲) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)]. گنج، پایگاه اطلاعات علمي ايران (ايرانداك).

هاشمی‌میناباد، حسن. (۱۳۹۶). "ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲): فنون و راهبردها، تکنیک ها و تاکتیکها". فصلنامه نقد کتاب، (۱۲)، ۲۴۷-۲۶۸.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]

REFERENCES

Barzegar, H. (2008). *Translation of colloquial expressions in English-into Persian subtitled films:* http://www.translationdirectory.com/articles/article1541.php [In Persian]

Collins Cobuild Advanced Dictionary (CCAD). (2024). HarperCollins, [30.05.2024]: https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english [In Persian]

Davies, E. E. (2003). "A goblin or a dirty nose? The treatment of culture-specific references in translations of the Harry Potter books". *The Translator: Studies in Intercultural Communication,*9(1), pp 65-100. DOI: 10.1080/13556509.2003.10799146 [In Persian]

Dickins, J., Hervey, S., & Higgins, I. (2002). *Thinking Arabic Translation*. Routledge. [In Persian]

Gholami, M., & Salimi, L. (2012). "Translation of colloquial expressions in literary texts". *Translation Studies, 10* (38), 13-26. Retrieved from: https://www.sid.ir/en/journal/viewpaper.aspx?id=512359. [In Persian]

Gottlieb, H. (1992). "Subtitling: A new University discipline. In C. Dollerup & A. Ladegaard (Eds.)", *Teaching translation and interpreting: Training, talent and experience,* pp.161-170, John Benjamin. [In English]

Hashemi-Minabad, H.,. (2017). "Conceptual Tools of Translation Criticism) 2): Techniques and Strategies, Techniques and Tactics". *Quarterly Journal of Book Criticism*, No. 12, pp 247-268. [In Persian]

Holmes, J. S. (1992). *An Introduction to Socialinguistics*. Longman.

Jalalpour, E., & Heydari Tabrizi, H. (2017). "A study of English translation of colloquial expression in two translations of Jamalzadeh: Once upon a time and Isfahan is half of the world". *Journal of Language Teaching and Research, 8*(5), pp1798- 4769. [In Persian]

Keeney, J., (2011), *Memoirs of a Disadvantaged Person*. Translator: Farrokh Bafandeh, Tehran: Jeyhoon. [In Persian]

Keeney, J., (2021), *Memoirs of a Disadvantaged Person*. Translator: Neda Shadnazar. Tehran: Iranban. [In Persian]

Kinney, J. (2007). *Diary of a Wimpy Kid* . Amulet Books. [In English]

Mahdavi-Sabet, M., (2002). *A study of colloquial expressions and their translation strategies in the subtitles of the animated film Ice Age* (Master's thesis, Imam Reza International University). Ganj, Iran Scientific Information Database (Irandoc). [In Persian]

McCrimmon, J. (1963). *Writing with a Purpose*. Houghton. [In English]

Molina, L., & Albir, A. H. (2004). "Translation techniques revisited: A dynamic and functionalist approach". *Meta,* 2002 XLVII, IV, 498-512. DOI: 10.7202/008033ar [In English]

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. Prentice Hall International. [In English]

Oxford University Press. (2024). Oxford Learner's Dictionaries. Oxford University Press ELT Division, [30.05.2024]: https://www.oxfordlearnersdictionaries.com [In English]

Partridge, E. (1990). *Colloquialism in the Encyclopedia Americana*. Grolier Incorporated. [In English]

Pearson Longman. (2024). Longman Dictionary of Contemporary English Online. Pearson PLC, [30.05.2024]: https://www.ldoceonline.com [In English]

Sadeghpour, H., (2013). *A study of translation methods in Persian dubbing of English animated cartoons with emphasis on humorous expressions, idioms and colloquial expressions* [Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad.] Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). [In Persian]

Salehabadi, A., (2022). *A study of colloquial expressions and related translation strategies in the subtitles of the animations of Shrek and Ice Age* [Master's thesis, Shahid Bahonar University of Kerman]. Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). [In Persian]

Sutton, L. P. (1965). *Colloquial Persian.* Routledge and Kegan Paul LTD.

Tverberg, L. (2014). Speaking is painting: Why no translation can be perfect. Retrieved from: http://ourrabbijesus.com/articles/speaking-painting-bible- translation/ [In English]

Ulvydienė, L., & Abramovaitė, B. (2012). "Literary style in translation: Slang in J.D. Salinger's The Catcher in the Rye". *Studies about Languages, 20(*1), 100-108. DOI: 10.5755/j01.sal.0.20.1776 [In English]

Zafarghandi, A.M.A., & Falahatdoost, S. (2013). "A comparative study of English colloquial language utterances in novel translation from English to Persian". *International Researcher, 2*(1), pp 222- 239. [In Persian]

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2026-09-06]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1403.7.4.6.0]